ع. م. عامری

پارسیان هندوستان

سطور ذیل ترجمهٔ قسمتی ازفصل هشتم کتابی است بنام عوامل اساسی تمدن، تألیف هانتینگتن(۱) استاد دانشگاه ییل (۲) امریکا ، این کتاب نخستین باردر۱۹۴۵ میلادی چاپ شده ودرهمان سال دوبارتجدید طبع یافته است .
استاد ، سه عامل یعنی محیط طبیعی ، آداب وفرهنگ (۳) واستعداد فطری را درتمدن مهم ، وعامل اخیررا مهمترازدوعامل دیگردانسته وبرای اثبات نظرخویش شواهد وامثال واحصائیه‌های فراوان آورده است . موضوع پارسیان هند یکی ازآن جمله شواهد وامثال است که آنرا ماازانگلیسی - بی هیچ اظهار نظر-بفارسی نقل کرده‌ایم :

امروز مسیو دورابجی (داراب جان) تاتا رئیس شرکتهای تاتا و موجد صنعت پولاد سازی در هندوستان در آسایشگاه باوار در گذشت . تاتا پس از آنکه تحصیلات خود را دردانشگاه کمبرج بانجام رسانید درشهر بمبئی بامور تجاری واجتماعی مشغول گشت و شرکتهائی تأسیس کرد که ساختن ابنیه و اداره کردن مهمانخانه ها و احداث کارخانه های ریسندگی و بافندگی و روغن کشی وسیمان سازی و تولید برق را بعهده داشتند . دورابجی کمی پیش از اینکه بمبئی را تـرك گوید سندی بمبلغ دوملیون و دویست و پنجاه هزارپوند امضاء کرد که امناء اودرراه امور عام‌المنفعه مصرف کنند .
...... مجمع علـمی هندوستان را بنیاد نهاد و مخارج آنـرا تعهد نمود و مبلغی بآزمایشگاه مهندسی دانشگاه کمبرج اعطا کرد ومبلغی دیگر بتحقیق درراه علاج دردهای بی‌درمان تخصیص داد . دورابجی تا پایان عمر بمذهب آتش پرستی که کیش قوم پارسیان است وفادارماند . لقب شهسواری[۴] را که در ۱۹۱۰ باو داده شد باکمال سعهٔ صدرحق پدر خود جمست جی (جمشید جان) تاتا کـه درانشاء دستگاه تولید برق بقوهٔ آب در شهر بمبئی بذل همت کرده بود دانست .

۱-Huntington . ۲-Yale . ۳-Culture . ٤-Knighthood .

پارسیان کیستند ؟ چه شد که این مرد آتش‌پرست ، این راکفلر هندی ، علاوه براینکه دروطن خود کارهای شگرف انجام داد مبالغ گزاف هم بآزمایشگاه کمبرج بذل و بخشش کرد ؛ ازبی وقوفی ، مردم هندوستان را غالباً بچشم حقارت مینگریم اما درین‌مورد نمونه‌ای داریم که مادی ترین تاجرپیشه ازتصدیق و تحسین‌او چاره ندارد

کلمهٔ پرشن اصلا از همان کلمهٔ پارسی است . در اواسط قرن هفتم میلادی عربها بحمیت دین ، برزرتشتیان یا آتش پرستاران پیروز شدند . اکثر ایرانیان دست ازکیش خود کشیدند و جمعی که بدین‌قدیم باقی‌ماندند ازعربهای مسلمان جورو جفاها دیدند . درسنهٔ ٦٥١ میلادی گروهی اززرتشتیان ترك یارودیار گفتند وبنگاه وباغ و کاخ‌خویش را رها کردند وبقراری که در روایات و داستانهای تاریخی کهن آمده است در قهستان اقامت گزیدند . در آنجا نیز باذیت و آزار عرب گرفتار آمدند وعاقبت درسنهٔ ٧٥١ ازین سرزمین رو بجزیرهٔ هرمز نهادند وپس ازپانزده سال‌بحکم اجبار درهرمز بکشتی‌نشستند وبهند رفتند . شمارهٔ مهاجران دقیقاً معلوم نیست همین‌قدر میدانیم که عدهٔ آنها مختصر بوده است . مهاجران درشهر «دو» واقع درمصب شرقی رودسند پیاده شدند ، امااز بومیان روی خوش ندیدند و پس از۱۹سال کشمکش درسنهٔ ٧٨٥ بجانب شرق یعنی به سنجان رفتند . مردم این‌شهر برخلاف‌اهالی «دو» مقدم تازه واردان‌را گرامی‌داشتند و آنهارا در اجرای مراسم دینی آزاد گذاردند . پارسیان کم کم زبان و آداب ورسوم وطن جدید را فرا گرفتند اما هیچگاه با بیگانگان وصلت نکردند .

اظهار ارادت وعلاقه بمذهب قدیم در برابر عرب متعصب جرأت فراوان و عزم راسخ میخواست ، این هردوصفت درین جمعیت کوچك موجودبود . درفاصلهٔ‌بین حملهٔ عرب در ٦٤٠ و ورود پارسیان بهند در سنهٔ ٧٨٥ عده‌ای بددل و ضعیف نفس بتدریج بمذهب اسلام گرویدند وچنین امور غالباً در اینگونه موارد پیش‌میآید . درین ایام و درچنین احوال مرگ ومیر درپارسیان مخصوصاً میان‌زنان واطفال شدت داشته‌است . کسانی که جان بسلامت بردند و درشمال بمبئی اقامت گزیدند از حیث عقل و معرفت وشهامت اخلاقی و بنیهٔ جسمانی بروا ماندگان وازدست رفتگان‌برتری داشتند مختصر بازماندگان نخبه ونقاوهٔ مهاجران بودند

بنسبت جمعیت‌خود درهند، پارسیان امروزپس ازانکلیسها باکفایت ترین مردم هندوستانند واین قولی است که جملگی بر آنند. ازصد هزارپارسی نیمی‌دربمبئی ونیم دیگر درشمال این ناحیه زندگی میکنند و بسیاری از بزرگان و محتشمان هند پارسی هستند. پارسیان از حیث فهم ونشاط وتجارت ضرب‌المثل، و گروه انبوه ازین قوم از زمرهٔ تجارمعتبر ند. بارعایت نسبت‌جمعیت ودرمقام‌مقایسه می‌بینیم که روی‌هم‌رفته عدهٔ پارسیان که در ادارهٔ امور جمهوروکارهای فنی دخیلند دو برابرو نیم، وعدهٔ صراف و دلال نه برابرونیم صاحبان چنین مشاغل دراتازونی (دول متحده) هستند. تاجرپیشگان ومتخصصان فنی بعلوم وادبیات ودین وآیین خویش هم اقبال تمام دارند. درنوشتن‌همین فصل بهفت جلدکتاب کـه همه ریختهٔ قلم پارسیان بمبئی و بزبان بسیار فصیح وبلیـغ انکلیسی‌است مراجعه کرده‌ام. صرف نظر ازدیانت مسیح، تنها مذهبی که درهندوستان براصول‌اخلاق‌عالیه وبرگرفتن‌افتادگان وحس‌غیرخواهی قراردارد مذهب پارسیانست. اساس دین این قوم بر **پندار نیك، گفتار نیك، رفتار نیك** نهاده شده است بسیاری از پارسیان چون مسیحیان باین پایهٔ بلند اخلاقی نمیرسند اما گروهي هم هستند که از عیسویان خیرخواه‌تر ووجودشان مفید تراست.

درمیان پارسیان تربیت ورفاهیت وقیادت پهلوبپهلو میروند. دختر وپسر هـردو تربیت میشوند ومیزان افراد با سواداین قوم باروپائیان بسیار نزدیك است. زنان‌دلاویز گندم گون مشکین موی پارسی در محافل عمومی غالباً شرکت میکنند. جنایت و فقر درمیان آنان اندك است. جامعهٔ پارسی از بینوایان چـه خویش چه بیگانه بتأسیس بینواخانه، مریضخانه وبسی بنگاههای نوع پرستانهٔ دیگر که همه خصلت پیمبرانه‌است حمایت میکنند. همین چندی پیش بازرگانی ازبازرگانان خیراندیش درهانگانگ مقر جدید خویش دانشگاهی ساخته است. یکی از دلایل کفایت پارسیان اینکه از جمیع ساکنان خطهٔ هند تابحال فقط‌دوتن ازمیان این‌قوم بمقام وکالت مجلس‌مبعوثان‌انگلیس نائـل شده اند. وصول بچنین مقـام ارجمند آنهم از جانب موکلان انگلیسی نه کاری است خرد و سرسری.

مسألهٔ قابل توجه اینکه مقام ومنزلت پارسیان هند تا چه پایه مرهون آداب و

معرفت و تا چه حد منوط باستعداد فطری آنهاست . ازین طایفه پس ازمهاجرت چهار گانه بمدت چندین قرن سر وصدائی بگوش نمیرسد جز آنکه بهر نقطه ای رسیده‌اند اراضی بائر را دائر و بباغهای مصفا ومزارع حاصلخیز تبدیل کرده‌اند .



بورود انگلیسها بهند درسه قرن‌پیش پارسیان کم کم تغییریافتند . میدان عملشان وسیع شد ، بتجارت ومحاسن آن زود پی‌بردند . در ادوار گذشته محرکی نداشتند که بکار بازرگانی اقبال کنند اما همینکه بتأثیر وجود انگلیسها بطرق جدید زندگی آشنا گشتند نیروئی پنهان آنها را بجانب مقصود راندن گرفت . قوای فطری که معمولا در محیط زراعت خفته میماند درین هنگام بیدار گشت . درقرن نوزدهم که صنعت جدید بهندوستان راه پیدا کرد استعداد های نهفتهٔ دیگر نمایان شد . پارسیان بتأسیس کارخانه های حلاجی و آب کردن آهن که تا آن‌زمان درهند سابقه‌نداشت دست زدند . فلاحت ، افراد این طایفه را از توجه بتجارت و صنعت غافل ساخته بود . همینکه محیط مستعد شد واوضاع تغییریافت استعدادهای بیجان جان گرفت وبنشاط آمد . بارها این سخن را شنیده ایم که چون اجداد فلان قوم با صنعت سروکار نداشته و فرزندان در کوچکی دستگاههای صنعتی‌ندیده ، ذوق صنعت‌را یکسره ازدست‌داده‌اند . تجربه خلاف این‌را نشان میدهد . هر قومی که صاحب ذوق صنعت باشد همینکه محیط را ملایم یافت ذوق بفعالیت میافتد و استعداد بظاهر مرده زنده میشود وبدنبال مطلوب میدود .

درتحلیل سرموفقیت پارسیان عوامل‌اصلی (یعنی محیط طبیعی ، آداب ومعرفت، استعداد فطری) را باید تحت مداقه قرار داد . البته‌هوای گرم مرطوب ، طفیلیهای‌خاص منطقهٔ حاره ، نقص مواد غذائی لازم از نشاط آنها میکاهد . اگر این قوم مثلا درکشور فرانسه زندگی میکرد فعالیتش دوچندان میشد . با این همه حرارت ونشاط آنها از همشهریان خویش زیادتراست . میزان مرگ ومیر یکی از بهترین ملاکهای تشخیص و تعیین مقدار تاب و توان است . بگفتهٔ کاراکا[1] احصائیه ۲ ـ ۱۸۸۱ نمایان میسازد که

---

[1] کاراکا مؤلف کتابی است بنام «تاریخ‌پارسیان» که درسال ۱۸۸٤ چاپ شده‌است .

مرگ ومیر اطفال در طبقهٔ پست هندو بنسبت ۳۳/۶، مسلمین ۳۰/۵ ، طبقات دیگر هندو ۲۶/۱ و پارسیان ۱۹/۳ بوده است . وزن اطفال پارسی نسبت بوزن کودکان هندو اطباء را بحیرت افکنده است . بگفتهٔ کاراکا تاب و توان و نشاطی که پارسیان هند دارند از اجداد خویش یعنی ایرانیان بارث برده‌اند و دراساس هیچ کم از اروپائیانی که در آب و هوای نشاط آور زندگی میکنند نیستند ـ قلت تلفات درمیان کودکان پارسی خود دلیل بر زندگی مرفه و پاکیزگی مسکن آنها هست و این گویا نتیجهٔ پیروی ازدستورهای بسیار عالی زرتشت باشد . نویسندگان بیگانه هم معترفند که زندگی پارسیان از سایر همشهریان پاکتر و تمیزتر و خوراکشان متنوع و مطبوع‌تر است .

آب و هوا ومرض از قدرت کارمردم هند میکاهد و پارسیان هم بهمین جهات به پرکاری سوئدیها وفنلاندیها نیستند ، اما اگر درهمان محیط بسر برند بی‌تردید بهمان اندازه پرکار خواهند بود . بهداشت و معالجهٔ صحیح نیز درمقدار کار تأثیر دارد . وضع مالی پارسیان تهیهٔ غذای نسبة مقوی و مطلوب را میسر ساخته و همین امر نیز در میزان کارمدخلیت دارد البته از بنیهٔ خوب و ساختمان بدن نیز نباید غافل بود

اوضاع و احوالی که قویاً دلالت بروجود استعداد و قابلیت پارسیان میکند تیزهوشی وقدرت درسازگاری با محیط است که درین سیزده قرن بخوبی ازخودبروز داده اند . بعضی اقوام مانند هندیهای دامنهٔ « آند » قوهٔ سازششان با محیط محدوداست چه باآنکه قرنهاست با اروپائیان محشورند هنوز بشیوهٔ آباء و اجداد خویش روزگار میگذرانند . پارسیان برخلاف این قوم در کسب افکار جدید وعمل بآن قدرتی عجیب دارند . جماعات گوناگون مانند مسیحیان ویهودیان ... هنگام ورود بهندوستان اگر از حیث آداب ومعرفت ازپارسیان برتر نبودند کمترهم نبودند با این حال ضعف استعداد های فطری یا نقائص دیگر مانع آمده که باندازهٔ پارسیان پیشرفت حاصل کنند .

خلاصه ، پارسیان امروز نمونهٔ مردمی هستند که دارای استعدادهای گوناگون وفراوان وهمینکه میدان عمل ومحیط مساعد بیابند آنها رابکارمیاندازند . چگونگی احیاء استعدادات نهفته داستانی دلکش و جداگانه است ومختصر آن اینکه بنیهٔ خوب ، محیط مطلوب وآداب ومعرفت وتربیت مرغوب باید باشد تاشاهد مقصود بدست آید .